

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال پانزدهم / دوره جدید / شماره ۵۲ / پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۲۰-۲۷ (مقاله پژوهشی)

اتحاد مکانی و اتصال صفوف در نماز جماعت از منظر فقه مذاهب اسلامی

• مهدی رهبر

دانشیار گروه فقه و حقوق امامیه دانشگاه مذاهب اسلامی

rahbarmahdi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱

چکیده

از جمله شرایط صحت نماز جماعت، اتصال بین صفوف نماز است. از نظر فقه امامیه، صفوف نماز نباید بیش از یک قدم متعارف یا مقداری که عرفاً نزدیک محسوب می‌شود، از هم فاصله داشته باشد، خواه امام و مأوم در یک مکان مانند مسجد باشند، یا مکان متعدد باشد. روایات، اجماع و مقتضای قضاوت عرف متشرعه، از جمله ادله دیدگاه امامیه می‌باشد. فقهای اهل سنت با استناد به اجماع و مقتضای مسجد، معتقدند در صورت اتحاد مکان نماز، امکان آگاهی مأوم از نماز امام جهت تبعیت از او کفایت می‌کند و اگر نماز در مسجد اقامه شود، با فاصله زیاد بین صفوف نیز نماز جماعت صحیح است و اگر در خارج از مسجد اقامه شود، برخی رعایت فاصله کمتر از ۳۰۰ ذراع و برخی نزدیکی عرفی را لازم می‌دانند و گروهی نزدیکی صفوف را لازم نمی‌دانند. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با هدف دستیابی به حکم شرعی اتصال صفوف نماز جماعت و تبیین مقدار فاصله بین صفوف، به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف در این زمینه پرداخته می‌شود. طبق یافته‌های تحقیق و دیدگاه نگارنده، لزوم رعایت فاصله یک قدم متعارف بین صفوف چه در مسجد و چه خارج از آن، با مقتضای احتیاط در شبهه وجوبی که دائر بین اقل و اکثر ارتباطی است، تناسب دارد و اتحاد مکان نماز در این حکم مداخلیتی ندارد.

کلیدواژه‌ها: نماز جماعت، اتصال صفوف، امام و مأوم، اتصال عرفی، اتحاد مکان.



مقدمه

تبیین و تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

آیین اسلام، با عنایت به برکات و آثار وحدت، تجمع و یکپارچگی، از ابعاد اجتماعی مهمی برخوردار است و در بسیاری از برنامه‌هایش بر آنها، تکیه و تأکید کرده است. برگزاری نمازهای روزانه واجب نیز به صورت جماعت و گروهی، یکی از این برنامه‌ها است. قرآن کریم دستور داده تا مسلمانان نماز را به جماعت که بهترین و زیباترین شکل آن است، بخوانند. خداوند می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»^۱ «نماز را برپا دارید، و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید».

در ادیان قبل از اسلام نیز، نماز جماعت مورد تأکید خداوند بوده است. روایات اسلامی درباره پاداش و ارزش نماز جماعت فراوان است. در حدیث معروفی پیامبر(ص) به نقل از جبرئیل می‌فرماید: خداوند متعال وعده داده است چنانچه عدد حاضران در نماز جماعت بیش از ۱۰ نفر باشد، اگر تمام دریاها مرکب و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نتوانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند. براساس احادیث معصومان(ع)، نماز جماعت کوتاه و مختصر، بر نماز طولانی برتری دارد، و نیز پیامبر(ص) فرمود: «در نماز جماعت حاضر شوید، اگرچه با دشواری و سختی باشد»^۲.

جایگاه والای نماز جماعت و آثار متعددی که بر آن مترتب می‌شود، مربوط به جماعتی است که طبق دستور شارع و به‌طور صحیح اقامه شود، بنابراین لازم است احکام شرعی مربوط به نماز جماعت مورد توجه و دقت نظر قرار گیرد. یکی از شروط صحت نماز جماعت، اتصال بین مأموم و امام و بین صفهای مأمومین است، به‌طوری که اگر اتصال رعایت نشود، نماز جماعت باطل خواهد بود. در جزئیات این مسئله بین فقه شیعه و اهل سنت اختلافهایی وجود دارد که به

نظرات فقهای امامیه

از نظر فقه شیعه، لازم است بین صفوف نماز جماعت اتصال برقرار باشد. ملاک این اتصال به دو صورت بیان شده است: عده‌ای از فقها معتقدند فاصله بین محل سجده نمازگزار با محل ایستادن صف جلو و محل سجده مأمومین با محل ایستادن امام جماعت، بیش از مقدار یک قدم متعارف نباشد.^۳ برخی دیگر از فقها بدون بیان مقدار فاصله، معتقدند فاصله صفوف از جمله موضوعاتی است که تشخیص آن به عهده عرف نهاده شده و این فاصله باید به اندازه‌ای باشد که عرفاً نزدیک محسوب و اقتدا محقق شود و در غیر این صورت، اتصال مختل شده و جماعت باطل می‌شود؛ زیرا مصححی برای تصحیح عبادت با فاصله زیاد وجود ندارد.^۴ آنچه فقهای امامیه بر آن متفق هستند، این است که اگر فاصله صفوف از حد عرفی بیشتر شود و بر دوری صدق کند، نماز جماعت باطل است. ادله امامیه از این قرارند:

۱) روایات

در روایات باب نماز جماعت، به اتصال صفوف و مقدار فاصله مأموم با امام و صفهای دیگر اشاره شده است. عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) نقل می‌کند که فرمود: «أَقْلُ مَا يَكُونُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ مَرِيضٌ عَنزٍ وَ أَكْثَرُ مَا يَكُونُ مَرِيضٌ فَرَسٍ»^۵ «کمترین فاصله بین مأموم و امام به اندازه مکان نشستن بز و بیشترین آن به اندازه مکان نشستن اسب می‌باشد».

۳. ریاض المسائل، ج ۱، ص ۲۳۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۶۹؛ منهاج الصالحین، خوبی، ج ۱، ص ۲۱۶.

۴. کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۳۴۵؛ المختصر النافع، ج ۱، ص ۴۶؛ منتهی المطلب، ج ۱، ص ۳۷۵؛ ریاض المسائل، ج ۱، ص ۲۳۰؛ جامع المدارک، ج ۱، ص ۴۷۵؛ منهاج الصالحین، خوبی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ هدایة العباد، موسوی گلپایگانی، ج ۱، ص ۲۴۴؛ منهاج الصالحین، حسینی سیستانی، ج ۱، ص ۲۶۳؛ هدایة العباد، صافی گلپایگانی، ج ۱، ص ۲۰۷؛ مفاتیح الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۱؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۰۶.

۵. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۱۱.

۱. بقره، ۴۳.

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۷۷.





زراره از امام باقر(ع) نقل می‌کند که فرمود: «يُنْبَغِي لِلصُّفُوفِ أَنْ تَكُونَ تَامَةً مُتَوَاصِلَةً بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ وَلَا يَكُونَ بَيْنَ الصَّفِّينِ مَا لَا يَتَخَطَى يَكُونُ قَدْرُ ذَلِكَ مَسْقُطٌ جَسَدِ إِنْسَانٍ إِذَا سَجَدَ»^۶ «سزاوار است که صفوف نماز جماعت به هم متصل باشد و بین دو صف مقداری بیش از فاصله یک قدم؛ معادل مقداری که نمازگزار در حال سجده اشغال می‌کند، نباشد».

در حسنه زراره به نقل از امام باقر(ع) آمده است: «إِنْ صَلَّى قَوْمٌ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يَتَخَطَى فَلَيْسَ ذَلِكَ الْإِمَامُ لَهُمْ بِإِمَامٍ وَأَيُّ صَفٍّ كَانَ أَهْلُهُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ إِمَامٍ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الصَّفِّ الَّذِي يَتَقَدَّمُهُمْ قَدْرًا مَا لَا يَتَخَطَى فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ فَإِنْ كَانَ بَيْنَهُمْ سُرْتَةٌ أَوْ جِدَارٌ فَلَيْسَتْ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلَاةٍ»^۷ «اگر بین امام و مأموم فاصله‌ای بیش از یک قدم باشد، آن امام برای مأمومین، امام محسوب نمی‌شود و اگر فاصله بین صفوف جماعت نیز بیش از یک قدم باشد یا بین امام و مأمومین دیوار یا حائلی باشد، آن نماز، نماز (جماعت) نخواهد بود».

در مورد حکم شرعی مستفاد از این روایات، بین فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند رعایت فاصله به اندازه یک قدم، واجب و ترک آن حرام و مبطل جماعت است و برخی دیگر آن را مستحب و ترکش را مکروه می‌دانند و معتقدند ملاک در صحت جماعت آن است که عرفاً بین صفوف فاصله زیاد نباشد. قائلان به استحباب چنین استدلال می‌کنند:

۱- روایات، ظهور در وجوب ندارند، به خصوص روایت زراره که در آن از کلمه «ینبغی» استفاده شده که ظهور در عدم لزوم دارد.^۸

۲- کلمه «ینبغی» گرچه در مواردی با وجود قرینه به معنای لزوم استعمال شده، اما کثرت استعمال در معنای استحباب و تناسب استحباب با معنای لغوی این کلمه، از قرآنی است که ظهور در استحباب را تأیید می‌کند.^۹

۶. همان.

۷. همان.

۸. کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۳۴۶؛ ریاض المسائل، ج ۱، ص ۲۳۰؛ مجمع الفائدة والبرهان، ج ۳، ص ۲۷۹.

۹. کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۳۴۶.

۳- اگر بپذیریم که ظهور «ینبغی» در استحباب به اندازه ظهور آن در وجوب است، تساوی دو ظهور، موجب تساوق هر دو می‌شود و بدون قرینه نمی‌توان یک ظهور را ترجیح داد، بنابراین این روایت برای اثبات استحباب یا وجوب قابل استناد نیست.

۴- اگر فاصله صفوف در نماز جماعت به اندازه عرفی باشد و شک کنیم که آیا چنین جماعتی صحیح است یا اینکه باید فاصله به اندازه یک قدم باشد، با استناد به «اصالة الصحة» می‌توان به صحت جماعت حکم کرد.

۵- اوامری که به اقامه نماز جماعت حکم می‌کنند، عام هستند و روایاتی که فاصله یک قدم را بیان می‌کنند، ظهور در استحباب دارند، بنابراین جماعت با فاصله عرفی تحت عموم اوامر قرار گرفته و صحیح می‌باشد.^{۱۰}

۶- در حسنه زراره که نماز با فاصله بیش از یک قدم را نماز نمی‌داند، ماهیت نماز نفی نشده است، بلکه به قرینه کلمه «ینبغی» در روایت دیگر زراره که ظهور در استحباب دارد، می‌توان گفت: مراد از نفی، نفی کمال است، نه نفی ماهیت. بنابراین نماز جماعت با فاصله بیش از یک قدم صحیح است، ولی درجه کمال و ثواب آن از نماز با فاصله یک قدم کمتر است.^{۱۱}

قائلان به وجوب به دلایل زیر استناد می‌کنند:

۱- کلمه «ینبغی» در این روایت به معنای وجوب است؛ زیرا استعمال این کلمه در روایات به معنای وجوب، شایع و مشهور است، مانند روایت «لَا يَنْبَغِي لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَتَلَذَّذَ بِرِيحِ طَيْبَةٍ» که «ینبغی» بر معنای الزامی دلالت دارد. با توجه به شیوع استعمال، می‌توان در موارد مشکوک، کلمه را بر معنای شایع آن حمل کرد.^{۱۲}

۲- کلمه «ینبغی» بر لزوم دلالت دارد؛ زیرا سیاق آن با مانعیت حائل که بعد از آن آمده، متحد است، بنابراین همان‌طور که حائل، مانع تحقق جماعت است، فاصله

۱۰. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۳، ص ۲۷۹.

۱۱. کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۳۴۶.

۱۲. الحدائق الناضرة، ج ۱۱، ص ۱۰۶.



بیش از یک قدم نیز مانع صحت جماعت است.^{۱۲} ۳- در حسنه زراره، نماز با فاصله بیش از یک قدم را نماز نمی‌داند که ظهور در نفی ماهیت نماز جماعت دارد؛ زیرا عبارت «لَيْسَتْ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلَاةٍ»، در این روایت، بر نفی طبیعت مدخول خودش دلالت می‌کند که نفی طبیعت گاهی حقیقی و گاهی ادعایی است؛ نفی طبیعت به صورت حقیقی، همان نفی ماهیت است، ولی نفی طبیعت به صورت ادعایی، نفی صحت یا نفی کمال است. آنچه اولاً و بالذات با نفی طبیعت ملائمت دارد، نفی حقیقی است، مگر دلیلی بر نفی ادعایی وجود داشته باشد.

۳) اجماع

شیخ انصاری در کتاب الصلاة خود می‌نویسد: اقتدای مأوموم به امام جماعت با فاصله زیاد و بدون وساطت صفهای میانی، صحیح نبوده و در این مسئله خلافتی نیست.^{۱۵} صاحب ریاض المسائل ضمن نقل اجماع در مسئله، آن را به جماعتی از اصحاب نسبت می‌دهد.^{۱۶} البته با وجود روایات و سایر ادله در این مسئله، استناد به اجماع وجهی به نظر نمی‌رسد و از باب اجماع مدرکی محسوب می‌شود، ولی در حد مؤید برای ادله دیگر می‌توان از آن استفاده کرد.

نظرات فقهای اهل سنت

به صورت کلی فقهای اهل سنت، امکان آگاهی مأوموم از نماز امام را - چه از راه رؤیت وی و چه از راه شنیدن صدایش - در صورتی که بین امام و مأوموم اتحاد مکانی وجود داشته باشد، شرط صحت اقتدا می‌دانند.^{۱۷} هرکدام از علمای اهل سنت، اتحاد مکانی را به نحوی تفسیر کرده‌اند که موجب اختلاف فتاوی آنان در این زمینه شده است. این اختلاف نظر ناشی از مکانی است که در آن نماز اقامه می‌شود.

۱) اقامه نماز در مسجد

تمامی فقهای اهل سنت معتقدند اگر امام و مأوموم در مسجد نماز بگذارند، محل نماز، یک مکان محسوب می‌شود و حتی اگر فاصله بین آنان بیش از ۳۰۰ ذراع هم باشد، اشکال ندارد؛ زیرا اتحاد مکانی بین مأوموم و امام حفظ شده است، بنابراین اگر امام در آخر مسجد و مأوموم در اول مسجد قرار گیرد، نمازشان صحیح است.

قول وجوب وجهیتر است؛ زیرا اولاً؛ با مقتضای احتیاط تناسب دارد و رعایت احتیاط در موارد مشتبیه به حکم عقل و نقل، نیکو است. ثانیاً؛ با علم به تکلیف و اینکه اتصال در نماز جماعت لازم است و شک در مقدار فاصله، می‌توان این مورد را از مصادیق دوران بین اقل و اکثر ارتباطی در شبهه وجوبی دانست که در این قسم، سه قول مطرح است: یک) جریان برائت عقلی و شرعی نسبت به تعلق تکلیف به اکثر، دو) جریان برائت شرعی نسبت به تعلق تکلیف به اکثر، سه) لزوم احتیاط.^{۱۴} با توجه به این سه قول، چه بر مبنای برائت و چه احتیاط، رعایت اقل که همان فاصله یک قدم می‌باشد، لازم است.

۲) مقتضای قضاوت عرف متشرعه

اگر نتوان روایات را ناظر بر بیان وجوب یا استحباب فاصله یک قدم دانست، در این صورت برای درک مفهوم جماعت به عرف مراجعه می‌کنیم. از خلال برخی ادله که حاکی از تقدیم امام بر مأوموم است و اینکه مأوموم پشت سر امام یا سمت راست و چپ وی باشد، می‌توان همراهی و معیت را استنباط کرد. جماعت یک نوع هیئت اتصالی است که افراد آن نسبت به یکدیگر به گونه‌ای هستند که گویا همه یک گروه را تشکیل داده‌اند و این حالت با تفرق و فاصله

۱۵. کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۶. ریاض المسائل، ج ۱، ص ۲۳۰.

۱۷. فتح العزیز، ج ۴، ص ۳۴۳؛ فتح الوهاب، ج ۱، ص ۱۱۶.

۱۳. جامع المدارک، ج ۱، ص ۴۷۵.

۱۴. فوائد الأصول، ج ۴، ص ۱۵۱.



تمامی فقهای اهل سنت غیر از مالکیه، معتقدند شرط صحت جماعت در مسجد، این است که حائلی وجود نداشته باشد که مانع از امکان دسترسی مأموم به امام، بدون پشت کردن به قبله باشد، مانند در بسته شده. اما مالکیه نماز جماعت در مسجد را حتی با وجود حائل صحیح می‌دانند.

فقهای شافعی در کتب فقهی خود به مطلب فوق اشاره کرده و صحت نماز جماعت بدون اتصال را بیان نموده‌اند.^{۱۸} سرخسی از فقهای احناف در *المبسوط* می‌نویسد: اگر نماز جماعت در مسجد اقامه شود، بدون اتصال نیز جماعت صحیح است؛ زیرا اتحاد مکانی وجود دارد.^{۱۹} ابن‌قدامة از فقهای حنابله در زمینه اتحاد مکانی، نظری شبیه نظر شافعیه بیان می‌کند.^{۲۰}

فقهای مالکیه معتقدند در فرض اتحاد مکان امام و مأموم، اگر مأموم تکبیرة الاحرام امام را بشنود، اقتدا صحیح است، اگرچه بین آن دو، حائلی باشد و اتصال برقرار نباشد، مگر در نماز جمعه که اتصال لازم است.^{۲۱} به این ترتیب ادله اهل سنت از این قرار است:

۱- مسجد برای اقامه نماز بنا شده و هر جای مسجد صلاحیت اقامه نماز را دارد، بنابراین هنگام جماعت در هر مکانی از مسجد می‌توان ایستاد، چه اتصال باشد چه نباشد.^{۲۲}

۲- صحت نماز جماعت در مسجد بدون اتصال و با فاصله زیاد، مورد اجماع مسلمانان است.^{۲۳} در نقد ادله فوق می‌توان گفت:

۱- اگر عموم ادله مربوط به نماز جماعت را در نظر بگیریم، نمی‌توان بین مسجد و غیر آن تفاوتی قائل شد

۱۸. الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۱۵؛ روضة الطالبین، ج ۱، صص ۳۶۱-۳۶۴؛ الإقناع، ج ۱، ص ۱۵۴؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۲۴۸.
۱۹. المبسوط، ج ۲، ص ۱۱۷؛ البحر الرائق، ج ۱، ص ۶۳۵؛ الدر المختار، ج ۱، ص ۶۲۷؛ رد المحتار، ج ۱، ص ۶۳۱.
۲۰. المغنی، ج ۲، ص ۱۵۲؛ کشف القناع، ج ۱، ص ۵۹۸؛ الشرح الكبير، ج ۲، ص ۷۴.

۲۱. الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۱۵؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۴۵۱؛ المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲۲. فتح العزیز، ج ۴، ص ۳۴۵.

۲۳. المجموع، ج ۴، ص ۳۰۱.

و هر آنچه در مورد احکام جماعت از جمله اتصال صفوف در خارج از مسجد بیان می‌شود، به مقتضای عموم ادله، برای داخل مسجد نیز قابل ذکر می‌باشد.^{۲۴} ۲- اگر بپذیریم که در لسان شرع برای مقدار فاصله اندازه‌ای بیان نشده، ناگزیر برای درک مفهوم جماعت و چگونگی تحقق آن به عرف متشرعه مراجعه می‌کنیم. عرف در این زمینه تفاوتی بین مسجد و غیر آن قائل نیست و تحقق جماعت را منوط به اجتماع و دور نبودن مأمومین از یکدیگر می‌داند.

۳- وضع مساجد به عنوان محل عبادت مقتضای آن است که در هر قسمتی از آن بتوان نماز خواند، به نحوی که ثواب نماز در مسجد بر آن مترتب شود. این مقتضا ناظر بر اقامه نماز در مسجد است و ظهوری در اتصال یا عدم اتصال در نماز جماعت ندارد.

۴- فقهای امامیه چه در مسجد و چه غیر مسجد، قائل به لزوم اتصال صفوف می‌باشند، بنابراین نمی‌توان در عدم لزوم اتصال در مسجد، به اجماع مسلمانان استناد نمود.

۲) اقامه نماز در خارج از مسجد

اگر امام و مأموم در خارج از مسجد اقامه نماز کنند، صحت جماعت آنها نزد فقهای اهل سنت منوط به امور مختلفی شده است:

شافعیه معتقدند در صورتی که فاصله بین آن دو، بیش از ۳۰۰ ذراع (هر ذراع دو وجب) تقریبی نباشد، نماز صحیح است، مشروط بر اینکه حائلی از نوع آنچه گفته شد، در بین نباشد.^{۲۵}

از منظر فقهای حنفی، لازم است در خارج از مسجد، اتصال رعایت شود و به سبب اتصال صفوف، اتحاد مکانی ایجاد می‌شود.^{۲۶} برخی از احناف در زمینه مقدار فاصله در خارج از مسجد، اندازه‌ای بیان کرده‌اند؛ به این صورت که اگر مأموم از حال امام -

۲۴. نهاية الأحكام، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲۵. الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۱۵؛ روضة الطالبین، ج ۱، صص ۳۶۴-۳۶۴؛ الإقناع، ج ۱، ص ۱۵۴؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۲۴۸.

۲۶. المبسوط، ج ۲، ص ۱۱۷؛ البحر الرائق، ج ۱، ص ۶۳۵؛ الدر المختار، ج ۱، ص ۶۲۷؛ رد المحتار، ج ۱، ص ۶۳۱.



از راه رؤیت یا شنیدن صدای او یا رؤیت دیگر اقتدا کنندگان - آگاه باشد و فاصله‌ای در حد عبور و مرور ماشین یا رودخانه قابل کشتیرانی در بین نباشد، نماز صحیح است و اگر فاصله زیاد باشد، تعدد مکانی ایجاد می‌شود و جماعت صحیح نیست.^{۲۷}

حنابله بیان می‌دارند اگر امام و مأوم هر دو در خارج از مسجد باشند، نباید بین آنها فاصله به اندازه‌ای باشد که عرفاً دور حساب شود و تحدید این مقدار به ۳۰۰ ذراع دلیلی ندارد.^{۲۸}

فقه‌های مالکی معتقدند اگر مأوم تکبیرة الاحرام امام را بشنود، اقتدا صحیح است، اگرچه بین آن دو، حائلی باشد و اتصال برقرار نباشد، مگر در نماز جمعه که اتصال لازم است.^{۲۹}

ادله اهل سنت در این باره عبارتند از: از آنجا که در لسان شرع برای مقدار فاصله صفوف مقداری بیان نشده و از آنجا که خارج مسجد حکم مسجد را ندارد، بنابراین با استناد به دلیل عرف می‌توان گفت: مأومین باید به گونه‌ای بایستند که از نظر عرف متشرعه جماعت محقق شود. شافعیه معتقدند ۳۰۰ ذراع مقداری است که از نظر عرف، مخل به جماعت نیست.^{۳۰}

حنفیه این فاصله را در حد عبور و مرور ماشین یا رودخانه قابل کشتیرانی می‌دانند و معتقدند فاصله بیش از این مقدار، موجب تعدد مکان و مانع تحقق جماعت می‌شود. حنفیه به این روایت از پیامبر(ص) استناد می‌کنند: «من كان بينه وبين الإمام نهر أو طريق أو صف من النساء فلا صلاة له»؛^{۳۱} «کسی که بین او و امام جماعت، به اندازه رود یا راه عبور یا یک صف از

۲۷. الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۱۵؛ بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۱۴۶.
۲۸. المغنی، ج ۲، ص ۱۵۲؛ کشف القناع، ج ۱، ص ۵۹۸؛ الشرح الكبير، ج ۲، ص ۷۴.
۲۹. الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۱۵؛ مواهب الجليل، ج ۲، ص ۴۵۱؛ المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۱۵۱.
۳۰. روضة الطالبين، ج ۱، ص ۳۶۱.
۳۱. بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۱۴۵.

جاء الإحتمال بطل الإستدلال». ۴- روایت مذکور که در قالب اخبار بیان شده، ظهوری در بطلان جماعت ندارد و در جمله «لا صلاة له» دو احتمال مطرح است: اول؛ احتمال نفی طبیعت و ماهیت که مستلزم بطلان جماعت است، دوم؛ نفی کمال که اثبات نفی طبیعت جماعت نیاز به دلیل دارد.

عدم ظهور حدیث در بیان حکم الزامی و بطلان جماعت و اینکه در جمله «لا صلاة له» به جای ضمیر جمع که ناظر بر امام و مأومین باشد، از ضمیر مفرد که ناظر بر مأوم است، استفاده شده، قرائنی هستند که نفی کمال را تأیید می‌کنند.

۵- سخن مالکیه که اتصال را لازم نمی‌دانند، مخالف مشهور فقه‌های اسلام و مخالف متفاهم عرفی از جماعت



و اجتماع می‌باشد که لازمه آن نزدیکی عرفی است و به همین دلیل مرجوح و قابل اعتنا نمی‌باشد.

به این ترتیب، با توجه به ناتمام بودن ادله اهل سنت و اشکالاتی که بر آنها وارد است و با توجه به مطلوبیت احتیاط و لزوم اخذ به اقل در دوران بین اقل و اکثر در شبهه وجوبیه، قول به رعایت اتصال و فاصله یک قدم متعارف در نماز جماعت در هر مکانی که اقامه شود، وجیه‌تر به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

۱. در مورد اتصال صفوف نماز جماعت، نظرات مختلفی از سوی فقهای اسلام بیان شده است. از نظر فقه امامیه لازم است بین صفوف نماز جماعت، در هر مکانی که جماعت اقامه می‌شود، اتصال برقرار باشد و نباید فاصله صفوف از حد عرفی بیشتر شود، به نحوی که بر دوری صدق کند، در این صورت نماز جماعت باطل است. فقهای امامیه با استناد به روایات، اجماع و عرف متشرعه قائل به لزوم اتصال شده‌اند.

۲. از نظر نگارنده، از میان آرای فقهای امامیه در مورد مقدار فاصله صفوف که برخی آن را به اندازه نزدیکی عرفی و برخی به اندازه یک قدم متعارف دانسته‌اند، آنچه وجیه‌تر به نظر می‌رسد، آن است که مقدار فاصله صفوف نباید از فاصله یک قدم متعارف بیشتر باشد.

۳. فقهای اهل سنت به صورت کلی، امکان آگاهی مأموم از نماز امام را - چه از راه رؤیت وی و چه از راه شنیدن صدایش - در صورتی که بین امام و مأموم اتحاد مکانی وجود داشته باشد، شرط صحت اقتدا می‌دانند.

۴. تمام فقهای اهل سنت معتقدند اگر امام و مأموم در مسجد نماز بگزارند، محل نماز، یک مکان محسوب می‌شود و حتی اگر فاصله بین آنان بیش از ۳۰۰ ذراع هم باشد، اشکال ندارد؛ زیرا اتحاد مکانی بین مأموم و امام حفظ شده است، بنابراین اگر امام در آخر مسجد و مأموم در اول مسجد قرار گیرد، نمازشان صحیح است.

۵. شافعیه معتقدند اگر امام و مأموم در خارج از مسجد اقامه نماز کنند، در صورتی که فاصله بین آن دو، بیش از ۳۰۰ ذراع (هر ذراع دو وجب) تقریبی نباشد، نماز صحیح است.

۶. حنفیه معتقدند اگر مأموم از حال امام - از راه رؤیت یا شنیدن صدای او یا رؤیت دیگر اقتدا کنندگان - آگاه باشد و فاصله‌ای در حد عبور و مرور ماشین یا رودخانه قابل کشتیرانی در بین نباشد، نماز صحیح است.

۷. حنابله بیان می‌دارند اگر امام و مأموم هردو در خارج از مسجد باشند، نباید بین آنها فاصله به اندازه‌ای باشد که عرفاً دور حساب شود.

۸. فقهای مالکی معتقدند اگر مأموم تکبیرة الاحرام امام را بشنود، اقتدا صحیح است، اگرچه بین آن دو، حائل باشد و اتصال برقرار نباشد.

۹. با توجه به ناتمام بودن ادله اهل سنت و اشکالاتی که بر آنها وارد است و با توجه به مطلوبیت احتیاط و لزوم اخذ به اقل در دوران بین اقل و اکثر در شبهه وجوبیه، قول به رعایت اتصال و فاصله یک قدم متعارف در نماز جماعت در هر مکانی که اقامه شود وجیه‌تر به نظر می‌رسد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- الإفتاح فی حل ألفاظ أبی شجاع، محمد بن احمد خطیب شربینی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- البحر الرائق شرح کنز الدقائق، زین الدین بن ابراهیم ابن نجیم مصری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ابوبکر بن مسعود کاسانی، پاکستان، المكتبة الحبيبية، ۱۴۰۹ق.
- تحریر الوسيلة، سید روح الله خمینی، قم، دارالعلم،

- ۱۳۷۹ش. - المجموع شرح المذهب، يحيى بن شرف نووى، بيروت، دارالفكر، بی تا.
- ۱۴۰۵ق. - جامع المدارك فى شرح المختصر النافع، سيد احمد موسوى خوانسارى، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۴۰۵ق.
- ۱۴۱۸ق. - المختصر النافع، جعفر بن حسن محقق حلى، قم، مؤسسة المطبوعات الدينى، ۱۴۱۸ق.
- ۱۴۱۱ق. - المدوتة الكبرى، مالك بن انس، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۱ق.
- ۱۴۲۳ق. - معنى المحتاج إلى معرفة معانى ألفاظ المنهاج، محمد بن احمد خطيب شربيني، بيروت، دارالفكر، ۱۴۳۰ق.
- ۱۴۱۲ق. - المغنى، عبدالله بن احمد ابن قدامه، قاهره، مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ق.
- ۱۴۱۲ق. - مفاتيح الشرائع، محمد محسن بن شاه مرتضى فيض كاشاني، قم، مجمع الذخائر الإسلامية، ۱۴۰۱ق.
- ۱۴۰۴ق. - منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، حسن بن يوسف حلى، مشهد، بنياد پژوهشهاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۴۱۲ق.
- ۱۴۱۲ق. - منهاج الصالحين، سيد ابوالقاسم خويى، قم، مدينة العلم، ۱۴۱۰ق.
- ۱۴۱۴ق. - منهاج الصالحين، سيد على حسيني سيستاني، قم، دفتر آية الله سيستاني، ۱۴۱۴ق.
- ۱۴۱۴ق. - مواهب الجليل فى شرح مختصر خليل، محمد بن محمد حطاب، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۲ق.
- ۱۴۱۴ق. - نهاية الأحكام فى معرفة الأحكام، حسن بن يوسف حلى، قم، اسماعيليان، ۱۴۱۰ق.
- ۱۳۷۱ش. - هداية العباد، سيد محمدرضا موسوى گلپايگاني، قم، دارالقرآن الكريم، بی تا.
- ۱۴۱۵ق. - وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن حرعالملى، بيروت، دارإحياء التراث العربى، ۱۴۱۲ق.
- ۱۳۷۹ش. - جامع المدارك فى شرح المختصر النافع، سيد احمد موسوى خوانسارى، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۴۰۵ق.
- ۱۳۶۹ش. - الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة، يوسف بن احمد بحراني، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۳۶۹ش.
- ۱۴۲۳ق. - الدر المختار شرح تنوير الأبصار، محمد بن على حصكفى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۳ق.
- ۱۴۱۲ق. - رد المحتار على الدر المختار، محمدامين بن عمر ابن عابدين، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۲ق.
- ۱۴۱۲ق. - روضة الطالبين و عمدة المفتين، يحيى بن شرف نووى، بيروت، المكتب الإسلامى، ۱۴۱۲ق.
- ۱۴۰۴ق. - رياض المسائل فى بيان الأحكام بالدلائل، سيد على بن محمد على طباطبائي، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
- ۱۴۱۲ق. - الشرح الكبير على متن المقنع، عبدالرحمن بن محمد مقدسى، بيروت، دارالكتاب العربى، بی تا.
- ۱۴۱۲ق. - فتح العزيز بشرح الوجيز، عبدالكريم بن محمد رافعى، بيروت، دارالفكر، بی تا.
- ۱۴۱۴ق. - فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، زكريا بن محمد انصارى، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۴ق.
- ۱۴۲۴ق. - الفقه على المذاهب الأربعة، عبدالرحمن جزيرى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
- ۱۳۷۶ش. - فوائد الأصول، تقارير محمدحسين نائينى، به قلم محمدعلى كاظمى خراسانى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۳۷۶ش.
- ۱۴۱۵ق. - كتاب الصلاة، مرتضى بن محمدامين انصارى، قم، كنگره بزرگداشت شيخ اعظم انصارى، ۱۴۱۵ق.
- ۱۴۲۰ق. - كشاف القناع عن متن الإقناع، منصور بن يونس بهوتى، بيروت، دارالفكر، ۱۴۲۰ق.
- ۲۰۰۹م. - المبسوط، محمد بن احمد سرخسى، عمان، بيت الأفكار الدولية، ۲۰۰۹م.
- ۱۴۱۸ق. - مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان، احمد بن محمد مقدس اردبيلى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۸ق.

